

بیانیه ی تحلیلی چپ دموکرات

انتخابات و پیامدهای آن

«چپ دموکرات» - گروهی از فعالین چپ در ایران

“تمامی الفاظ جهان را در اختیار داشتیم
و آن نگفتیم که به کار آید
چرا که تنها یک سخن
یک سخن در میانه نبود:
- آزادی!”
(الف. بامداد)

“چپ دموکرات” بر اساس تحلیل شرایط و واقعیات جامعه، طی بیانیه ای (1) مختصر اما گویا، با درک امکانات و موقعیت هایی که در انتخابات اخیر جست و جو می کرد، به منظور نیل به چند هدف کوتاه مدت و میان مدت، بر مشارکت در انتخابات تاکید نمود.

پیوند با واقعیت اجتماعی - سیاسی و آگاهی نسبت به سیاست زدگی و دلمردگی سیاسی - اجتماعی در میان لایه های مختلف جامعه، ضرورت کمک به احیا روح فعالیت و کنشگری در سطح جامعه را بیش از پیش در برابر ما قرار می داد. بر همین اساس و با توجه به ناکارآمدی و ضعف رو به زوال اپوزیسیون - پر ادعا، نق نقو و کم خاصیت خارج از ساختار، به امید برگزیده شدن کاندیدایی که از یک سو زمینه های گشایش در فضای سیاسی و مدنی را فراهم نماید و از دیگر سوی؛ پتانسیل همان کاندیدا به افزایش شکاف و تضاد ساختاری کمکی بنماید، انتخابات را تنها به عنوان یک “امکان” و نه هدف، مورد توجه قرار دادیم. بنابراین در میان دلایلی که در دفاع از دیدگاه های خود بیان شد، خطوط عمده زیر برجسته است:

1 - روی کارآمدن یک کاندیدای میانه رو فرصتی دوباره برای بازسازی نهاد های مدنی مستقل از قدرت ایجاد خواهد کرد و ادامه احمدی نژاد با آن سابقه سرکوب شدید نهاد های مدنی از جمله دانشجویان ، زنان ، کارگران و... عملن کار در فضای اجتماعی را برای دیدگاه های خارج از نظم موجود نا ممکن می کند .

2 - تلاش برای مستعد سازی عناصری از درون ساختار برای افزایش تضاد درون ساختاری (نقل به مضمون از بیانیه چپ دموکرات) که تقریباً در بیان اکثر چپ گرایان حامی حضور در انتخابات و از جمله چپ دموکرات

و در توجیه حضور در این رقابت درون ساختاری بیان شد.

3- مشارکت در انتخابات به منزله راهی برای سیاسی شدن جامعه. این رویکرد با اشاره به تجربه رخداد دوم خرداد 1376 و موج سیاسی شدن جامعه در سال های پایانی دهه 70 که حتی منجر به بزرگ ترین تحول سیاسی خیابانی پس از دهه 60، یعنی 18 تیرماه 1378 شده بود، به انتخابات 88 به مثابه فرصتی جهت دمیدن روح سیاست به کالبد جامعه سیاست زده شده ی عصر احمدی نژاد می نگریست.

اولین پیش بینی که تحقق می پذیرد
انتخابات به مثابه امکانی جهت ایجاد تضاد درون ساختاری

شکاف ساختاری که در متن سامان سیاسی موجود به صورت بالقوه و کم و بیش بالفعل وجود داشت، آرام آرام و به ویژه در سال های اخیر برای همه ناظران سیاسی محرز شده بود. این شکاف ها در روزهای معطوف به انتخابات و به ویژه پس از آن، چه در حوزه ی سیاسی و چه در حوزه ی ایدئولوژیک حاکمیت، هرچه عمیق تر و گسترده تر شد. برای ذکر نمونه کافیت به مواردی که در زیر خلاصه شده است، نگاهی گذرا داشته باشیم (2) بر این اساس بود که ریزش سیاسی حکومت اسلامی که به واسطه ی تعارضات ذاتی آن همواره وجود داشته است سرعت بیشتری گرفت و در پی این انتخابات، آرام آرام از سوی حاکمیت، گروه ها و نیروهای اصلاح طلب که پیش از این از دایره ی تنگ خودی های، به صف خودی های غیر قابل تحمل سوق داده شده بودند، با قرار گرفتن زیر عنوان کودتاگران مخملی، از صف خودی های نظام اخراج شدند. این وجه تمایز وقتی موثرتر به نظر می رسد، که همین نیروهای اصلاح طلب، به رغم تاکید بر پایبندی خود نسبت به آرمان های اولیه جمهوری اسلامی و آیت الله خمینی، خود در موج عظیم مردمی استحاله شده، و گاه خواست هایی را مطرح نمودند که پیش از این کمتر مورد اصرار عملی سیاسی ایشان قرار می گرفت. کافیت موارد زیر را قدری مورد تامل قرار دهیم:

- راه کار های هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه معروف وی برای برون رفت از بحران :

- 1- فصل الخطاب بودن و لزوم تمکین به قانون
- 2- ایجاد فرصت و فضای جهت گفتگو انتقادی برای روشن شدن مساله انتخابات (به شکل مناظره های تلویزیونی و در نهایت قضاوت مردم در این باره)
- 3- آزاد کردن زندانیان سیاسی

4 - رفع محدودیت های رسانه ای برای اطلاع رسانی آزاد

- اهداف مطرح شده برای ادامه کنش سیاسی (بیانیه شماره 9 موسوی):
 - 1 - اصلاح قانون انتخابات به نحوی که امکان تکرار تقلبات گسترده را از بین ببرد و بیطرفی نهادهای مجری و ناظر را تضمین کند
 - 2 - رعایت اصل 27 قانون اساسی در مورد آزادی تجمعات
 - 3 - آزادی مطبوعات و رفع توقیف از آنها
 - 4 - فعالیت مجدد سایتهای خبری مستقل
 - 5 - ممنوعیت مداخلات غیرقانونی دولت در فضای ارتباطی، نظیر اینترنت، پیامهای کوتاه، و جلوگیری از قطع ارتباطات تلفنی و شنود مکالمات مردم و هر گونه تجسس دیگر
 - 6 - توقف برخوردهای یکجانبه، افترا، دروغپردازی و اهانت در رسانه رسمی کشور
 - 7 - برخورداری از کانالهای مستقل تلویزیونی در خارج و داخل کشور
 - 8 - صدور مجوز برای تشکیل جمعیتهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی
 - 9 - آزادی همه دستگیرشدگان سیاسی، ابطال پروندهسازیهای جعلی امنیتی و دخالت ندادن پروندههای جاری در برخورداری آنها از حقوق اجتماعی

اگرچه این راه حل ها با در نظر گرفتن اقتضائات پردازش گران آن ها دارای دو ایراد مهم زیر هستند:

- 1 - کاملن کوتاه مدت هستند (به خصوص در مورد پیشنهادات هاشمی)
- 2- اجرایی بودن آن ها عمدتاً بسته به میل و علاقه جناح سوار بر قدرت است.

اما صرف ارائه و پیش کشیدن آن نیز در فرصت کنونی و جهت افزایش شکاف درون ساختاری مهم تلقی می شود. بر این اساس فعالین و نیروهای سیاسی داخل کشور می توانند با تعمیق همین خواست های حداقلی در میان توده های مختلف، راه حل های مطرح شده را با کمی تغییر بگونه ای که در برخی موارد بتوانند اساس ائتلاف های حداکثری اعتراضی را سامان دهند، وارد فازهای عملی تری نمایند، چون:

- 1- ایجاد کمپین های اعتراضی با هدف آزاد شدن زندانیان سیاسی
- 2- پیگیری و اطلاع رسانی در مورد آسیب دیدگان وقایع اخیر از جمله شهدا و سائیرین

- 3- افشای سیاه چاله هایی که در پس این وقایع بخش هایی از آن آشکار شده است و آخرین نامه ی مهدی کروبی به هاشمی رفسنجانی پیرامون جنایات و شکنجه های وحشیانه ی جنسی - بازداشت شدگان دختر

و پسر - که روی تاریک قرون وسطای کلیسای کاتولیک را سفید کرده است

- بخش های دیگری از این سیاهه ی رژیم اسلامی را به عرصه کشانده است، به منظور نمایاندن ماهیت واقعی سرکوب گران و ممانعت از تکرار این فجایع در آینده.

موارد فوق در زمینه زندان و حقوق زندانیان و علاوه بر آن تاکید و نمایاندن ماهیت واقعی راهبران این پروژه کودتاگونه بر کسانی که هنوز در نا آگاهی به سر می برند و حفظ پتانسیل تغییر خواهی و امید به تغییر، با یاد آوری هزینه هایی که جنبش تحول خواهی ایران متحمل شده است (به تعبیر موسوی در راهی بی برگشت وارد شده است).

از آنجا که رفع فیلتر از سایت ها، برداشته شدن محدودیت از رسانه ها و تغییر رویکرد جناحی صدا و سیما امری خارج از اختیار تحول خواهان است و تا حدی غیر ممکن می نمایاند ضمن حفظ این رویکرد بسان یک هدف باید به گسترش رسانه های جایگزین (نه تنها مجازی) اقدام نمود تا بتوان به اطلاع رسانی گسترده توده ای دست زد و از طریق خود این کنش، پتانسیل تغییر خواهی را در جامعه زنده نگه داشت.

برخورداری از رسانه های ماهواره ای امری است مطلوب ولی از آن جا که گروه های خرد جامعه مدنی توانایی مالی و انسانی ساماندهی چنین چیزی را ندارند، این انتظار از خود گروه های مرجع و احزاب سیاسی و از آن جمله خود شخص میر حسین موسوی وجود دارد تا پیگیر این خواسته خود باشد.

تجربه جبهه ملی دکتر مصدق که حول انتخابات آزاد شکل گرفت مویید این نکته است که حول منافع حداقلی جنبش های موثر سیاسی قابل شکل گیری هستند.

در میان خواسته های مطرح شده توسط میرحسین موسوی بخش زیادی از آن ها قابل هدف گذاری برای چنین ائتلافی هستند، که از قضا پیشنهاد اینکه جنبش به صورت شبکه ای از تک تک هواداران میرحسین موسوی (و طبیعتن کروی) سامان یابد، بسیار بهتر و دموکراتیک تر جنبش را به پیش خواهد برد و مانع از تاثیر پذیری این اتحاد از تصمیمات ناگهانی و غیر منتظره احزاب اپورتونیست اصلاح طلب می شود.

احیا شور سیاسی در مردم

تاکنون از تحقق هدف پیش گفته که همان گسترش تضاد ساختاری بود سخن رانندیم. این وسعت تعمیق شکاف های ساختار موجود را وقتی در کنار

آگاهی و بیداری گسترده ی ملی و احیای شور و باور سیاسی به رویکرد عمل گراتر نسبت به سیاست و کنشگری اجتماعی قرار دهیم، خواهیم دید که انتخابات به امکانی بسیار فراتر از آن چه ما پیش بینی می کردیم تبدیل شد. امکانی که اگر مشارکت گسترده و بالای 80 درصدی در آن صورت نمی گرفت، حاشا اگر به چنین نتایجی خارج از خواست و اراده ی حاکمیت منجر می شد.

گسترش مشارکت از 55 درصد به 85 درصد، افزایش 10 ملیونی شرکت کنندگان در انتخابات، صف های طولانی فضای پیش از دوم خرداد را در جامعه تداعی می کرد. اما در همین زمان اتفاقاتی شروع به رخ دادن می کنند؛ قطع پیامک ها از شب پنج شنبه 21 خرداد، فیلتر شدن سایت های خبری نزدیک به اصلاح طلبان از صبح روز انتخابات، خبر هایی از تعطیل شدن برخی از حوزه های اخذ رای به دلیل نبود تعرفه علی رغم چاپ بسیار زیاد تعرفه ها (بیش از تعداد واجدان شرایط) و در اوج این تحولات اشغال ستاد مرکزی اصلاح طلبان در تهران - ستاد قیطره - در ساعات پایانی روز اخذ رای، حضور گسترده نیرو های انتظامی در سطح شهرها بویژه برگزاری مانور اقتدار در روز انتخابات، محاصره وزارت کشور از ساعات پایانی اخذ رای تا شمارش 25 میلیون از آرا در حدود 2 الی 3 ساعت پس از اتمام رای گیری بدون ذکر جزئیات و حتی بدون وجود آراء باطله، شوک عمومی را بر فضای کشور وارد کرد. آنچه بیش از پیش نتایج را ناپذیرفتنی می نمود حضور 10 میلیونی آرای خاموش بود که بی شک باید به صندوق اصلاح طلبان ریخته می شد. این مساله باعث شد تا جمع کثیری از مردم و از جمله موسوی و کروبی این "شعبده بازی" را نپذیرند و ایران به فضایی بحرانی وارد گردد. با راهپیمایی 3 میلیونی 25 خرداد، این بحران کاملن علنی شد.

آنچه به عنوان "سیاسی شدن فضای جامعه"، دلیلی بر حضور در انتخابات مطرح می شد، به شکلی غیر قابل تصور تحقق پیدا کرد. مردمی صحنه ها را پر می کردند که به جای منتظر نشستن در پای متخصصان حرفه ای سیاست، تا بدانند چه باید بکنند به شکلی خود جوش با پذیرفتن همه هزینه های احتمالی، پای بر سنگ فرش خیابان ها گذاشتند تا در کنش مستقیم سیاسی حق دزدیده شده خود را طلب کنند. به مرور این اعتراضات شماییلی پیدا کرد که به نوعی تکرار نوستالژیک انقلاب 57 بود، تکراری که گاه در شعارها نیز تبلور می یافت. در این جا شاید بتوان با ذکر نقل قولی از مارکس آنچه را که در خیابان های ایران و تهران گذشت به شکلی صحیح تر تبیین نمود.

مارکس در 18 برومر لوئی بناپارت و در توصیف انقلابات قرن 18 می گوید:

“بنا براین دوباره زنده کردن خاطره ی مردگان در این گونه انقلاب ها، برای شکوه بخشیدن به مبارزات جدید بود، نه برای درآوردن ادای مبارزات گذشته. برای آن بود که در بزرگنمایی و ظایف مشخص در خیال مردم بکوشد نه برای طفره رفتن از انجام آن وظایف در واقع، برای بازیافتن روح انقلاب بود و نه برای به حرکت در آوردن دوباره شبح آن.”

این نمود را شاید اسلاوی ژیزک نیز در مقاله ای که پیرامون وقایع پس از 22 خرداد ایران نگاشت مطرح می کرد؛
“نام او (موسوی) مترادفِ باز دمیدن در رویای عمومی است که انقلاب خمینی را به پیروزی رساند”، “... به زبان فرویدی باید گفت حرکت اعتراضی این روز ها (بازگشت سرکوب شدگان) انقلاب خمینی است.”
این روح هیجانی و گاهن نوستالژیک را حتا در پاره ای از شعارهای کلیدی این روزها می توان دید که گاهی از آن ها بعنوان تعارضات اجتماعی درون جنبش یاد می شود، چون شعار “الله اکبر” از سوی و “استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی” از دیگر سوی. حال آنکه ما معتقدیم که شعار “استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی” و “الله اکبر” شبانه مردم نه در تضاد با یکدیگر که در طول هم قرار می گیرند. بنا بر همان تحلیل مارکس (18 برومر لویی بناپارت) شعار الله اکبر پشت بام ها همان طنین شعار “استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی” از سوی کسانی است که ناخواسته می خواهند محتوای واقعی حرکت خویش را بر خود بپوشانند (به تعبیر مارکس انقلاب های قرن 18) و این محتوا، همانا بازیافتن روح دزدیده شده انقلاب 57 می باشد.
این احیا شور و باور عمل گرای سیاسی در میان مردم، فرصتی تاریخی را برای فعالین گسترده ی دموکراسی خواه و آزادی طلب ایران قرار داده است. فرصتی که با درک آن می توان برای گام های بعدی جنبش بزرگ مردم ایران طراحی حرکت صورت داد.

رویکرد فعالان مستقل سیاسی در گام های پیش روی
اگرچه این روزها نیروهای اصلاح طلب جمهوری اسلامی نیز به استقلال از کل ساختار نزدیک می شوند، اما با توجه به وابستگی های عمیقی که در ذهن و زبان ایشان نسبت به اساس جمهوری اسلامی وجود دارد، مسئولیت فعالین مستقل دوچندان می شود؛
- فعالین مستقل سیاسی، ضمن احترام و تائید هر ائتلاف معطوف به تغییری که رهبران اصلاح طلب ترتیب دهند، نباید در آن حرکت و ائتلاف مستحیل شوند، بل که باید از امکانات خاصی که استقلال کامل ایشان در اختیار می گذارد، بهره گیرند.
- پر واضح است، شکل سرکوب حاکمیت بگونه ای که این روزها بر

نیروها و فعالین اصلاح طلب متوجه شده است، این طیف خوشبین و امیدوار به اصلاح پذیری ساخت سیاسی قائم به "ولایت فقیه" را آرام آرام به سمت تحول خواهی پیش می برد. در این میان، فضای سیاسی به طور ناخواسته این طیف را رادیکال تر می نماید و این خود فرصت مغتنمی است که با تیزهوشی و فرصت سنجی کنشگران دموکرات و برابری خواه می تواند توفیقات جنبش را گسترده تر، عمیق تر و کم هزینه تر نماید، بر این اساس که همراهی نیروهای هم چنان اصلاح طلب و به تعبیری تحول خواهان اسلامی را در طول بیشتری از مسیر حرکت جنبش مردمی فراهم می آورد. (این تحلیل البته بر نگاه فرصت طلبانه و ابزاری به این نیروهای سیاسی مورد اشاره استوار نیست. چه ما به رغم بسیاری از فعالین سیاسی که به زعم خود کنش موجود به صورت برق آسایی به سرانجام رسیده و آنک فرصت تسویه حساب، حتا با همین نیروهای اصلاح طلب را تدارک می بینند، معتقدیم که رهبران اصلاح طلب؛ حتا اگر به تعبیر پاره ای به اقتضای جنگ قدرت عمل کرده باشند، در همراهی مردم نقشی تاریخی ایفا نموده اند که تا هر جایی از طول مسیر همراهی شان را ادامه دهند، سزاوار ستایش و قدرشناسی اند.)

- ایجاد ارتباط قویتر با فعالان جامعه مدنی و پیوند زدن میان خواسته های خاص این گروه ها با حرکت کلی جنبش و تبیین تاثیر پذیری و نفع متقابل این جریانات بر یکدیگر برای افراد درگیر در این محیط ها.

- تاثیر گذاری و آگاهی رسانی در محیط های آکادمیک و روشنفکری، از جمله مواردی است که باید به شدت مورد توجه قرار گیرد، چه در صورتی که تحولات در سطح شهرها متوقف شود، دانشگاه (که جمیع شواهد بر سیاسی شدن مجدد و عمیق آن دلالت دارد) به عنوان میزان الحراره جامعه بیش ترین نقش را در حفظ پتانسیل تحول خواهی دارا می باشد. بنابراین پیوند خوردن نیروها و جریان های مختلف دانشجویی در شرایط کنونی، جهت وحدت عمل و مبارزه در پی آغاز سال تحصیلی جدید از اهمیت بالایی برخوردار است. جنبش دانشجویی می تواند در راستای ایفای نقش و رسالت تاریخی اش دگرذیسی خود را به سمت کنشگری محوری، تا بازگشایی دانشگاه ها کامل نموده و آماده ی مبارزه ای تمام عیار و آگاهانه باشد.

- فعالین ضد جنگ و مبارزین مدنی صلح طلب داخل و خارج از کشور نیز در شرایط کنونی که رژیم بی میل نیست با برافروختن جنگی ولو کم دامنه و چند روزه، از سویی توجه ملی را به سمت دیگری منحرف کرده، از دیگر سوی بهانه ی سرکوبی گسترده تر و خونبارتر را فراهم کند، وظیفه ی خطیر و مهمی دارند. متوجه کردن اجماع جهانی بعد از

انتخابات که در همسویی با ملت شکل گرفته است به این موضوع و اعمال فشار بر دول وحشی و جنگ طلبی که بی میل نیستند از آب گل آلود کنونی ماهی خود را بگیرند، امر مهمی است که می تواند از عواقب وخیم چنان رویدادی جلوگیری نماید.

در پایان، ضمن اعلام همراهی و همگامی خود با مبارزات به حق مردم ایران، یاد جان باختگان این جنبش را گرامی داشته و همدردی خود را با آسیب دیدگان و خانواده های عزادار ابراز می نمایم.

چپ دموکرات

26 مردادماه 1388 - 17 آگوست 2009

پا نوشت ها

1. . <http://chapedemocrat.blogfa.com/post-9.aspx>

۲. - مناظره احمدی نژاد و موسوی که در آن احمدی نژاد خود را در مقابل 3 دولت گذشته می داند . او معتقد است که نظام در این سه دوره از ارزش های خود فاصله گرفته است (گفتنی است برخی از این سال های مورد اشاره احمدی نژاد معاصر آیت الله خمینی است) - او می گوید هر 3 کاندیدا یکی هستند و از حمایت هاشمی رفسنجانی برخوردار و به وسیله وی هدایت می شوند، او(احمدی نژاد) هاشمی -ریاست خبرگان و مصلحت نظام ، رییس جمهور و رییس مجلس سابق- را متهم به فساد می کند و از افرادی مثل ناطق نوری (مشاور و رییس بازرسی نهاد رهبری) به عنوان مفسدان اقتصادی حامی موسوی نام می برد و در نهایت مدعی می شود که هاشمی در نامه ای به یکی از سران کشور های حاشیه خلیج فارس گفته است که دولت احمدی نژاد 6 ماه دوام می آورد .

- نامه هاشمی به آیت الله خامنه ای که در آن ضمن کذب خواندن ادعا های احمدی نژاد به شکلی تلویحی، احمدی نژاد را با بنی صدر که در ساختار حکومتی ایران نماد خیانت و نا کارآمدی است مقایسه کرد. و در نهایت بی پاسخ گذاشتن نامه هاشمی از سوی خامنه ای علی رغم اصرار هاشمی بر موضع گیری آقای خامنه ای قبل از 22 خرداد.

- اطلاعیه آیت الله خامنه ای پیش از اعلام نتایج قطعی انتخابات / بیانیه شماره 1 موسوی:

آیت الله خامنه ای: "مشارکت بیش از هشتاد درصدی مردم در پای صندوقها و رأی بیست و چهار میلیونی به رئیس جمهور منتخب، یک جشن واقعی است ."

میر حسین موسوی: "ملت شریف ایران نتایجی که برای دهمین دوره

انتخابات ریاست جمهوری اعلام شد بهت آور است و مردمی که در صف های طولانی اخذ رای شاهد ترکیب آرا بودند و خود می دانند که به چه کسی رای داده اند با حیرت تمام به این شعبده بازی دست اندرکاران انتخابات و صدا و سیما نگاه می کنند. "این بیانیه بعد از پیام آقای خامنه ای منتشر شد.

- نماز جمعه 29 خرداد 88 / بیانیه شماره 5 میر حسن موسوی 30 خرداد 88

آیت الله خامنه ای: "من البته در موارد متعددی با آقای هاشمی اختلاف نظر داریم، که طبیعی هم هست... البته بین ایشان و بین آقای رئیس جمهور از همان انتخاب سال 84 تا امروز اختلاف نظر بود، الان هم هست؛ هم در زمینه های مسائل خارجی اختلاف نظر دارند، هم در زمینه های نحوه اجرای عدالت اجتماعی اختلاف نظر دارند، هم در برخی مسائل فرهنگی اختلاف نظر دارند؛ و نظر آقای رئیس جمهور به نظر بنده نزدیکتر است. زور آزمائی خیابانی بعد از انتخابات کار درستی نیست، بلکه به چالش کشیدن اصل انتخابات و اصل مردم سالاری است. من از همه می خواهم به این روش خاتمه بدهند. این روش، روش درستی نیست. اگر خاتمه ندهند، آنوقت مسئولیت تبعات آن، هرج و مرج آن، به عهده آنهاست. این تصور هم غلط است که بعضی خیال کنند با حرکات خیابانی، یک اهرم فشاری علیه نظام درست میکنند و مسئولین نظام را مجبور میکنند، وادار میکنند تا به عنوان مصلحت، زیر بار تحمیلات آنها بروند."

میر حسین موسوی: "... من به عنوان یک همراه که زیباییهای موج سبز حضور شما را دیده است هرگز به خود اجازه نخواهم داد بر اثر عمل من جان کسی در معرض خطر قرار گیرد. در عین حال بر اعتقاد راسخ خویش مبنی بر باطل بودن انتخاباتی که گذشت و استیفای حقوق مردم پای می فشارم و علیرغم توانایی های اندکی که در اختیار دارم بر این باورم که انگیزه و خلاقیت شما مردم همچنان میتواند حقوق مشروع تان را در چهره های مدنی جدید مورد پیگیری قرار دهد و محقق کند. مطمئن باشید که اینجانب همواره در کنار شما خواهم ماند. آنچه این برادر شما در دریافتن این راه حلهای جدید، خصوصا به جوانان عزیز توصیه می کند این است که نگذارید دروغگویان و متقلبان پرچم دفاع از نظام اسلامی را از شما بربایند و نا اهلان و نامحرمان، میراث گرانقدر انقلاب اسلامی را که اندوخته از خون پدران راستگویان است از شما مصادره کنند. با توکل به خداوند و امید به آینده و تکیه بر توانمندی های تان حرکات اجتماعی خود را پس از این نیز براساس آزادیهای مصرح در قانون اساسی و اصل امتناع از خشونت پیگیری کنید. "

“... ما به دست اندرکاران توصیه می کنیم برای برقراری آرامش در خیابان ها مطابق اصل 27 قانون اساسی امکان تجمع های مسالمت آمیز را نه تنها فراهم کنند، بلکه چنین گردهم آیی هایی را تشویق کنند و صدا و سیما را از قید بدگویی ها و یک طرفه عمل کردن ها رها سازند. ”

- تائید نتایج انتخابات به وسیله شورای نگهبان / نا مشروع خواندن ریاست جمهوری احمدی نژاد از سوی موسوی و کروبی.

بیانیه شماره 9 میر حسین موسوی : “از این پس ما دولتی خواهیم داشت که از نظر ارتباط با ملت در ناگوارترین شرایط به سر میبرد و اکثریتی از جامعه، که اینجانب نیز یکی از آنان هستم، مشروعیت سیاسی آن را نمیپذیرد. دولتی با پشتوانه های ضعیف مردمی و اخلاقی که از او انتظاری جز بیتدبیری، قانونگریزی، عدم شفافیت، تخریب ساختارهای تصمیمگیری و تدوام سیاستهای ویرانگر اقتصادی نداریم. ” مهدی کروبی : “ با ساز و کاری که قبل از انتخابات و توسط دولت و شورای نگهبان و برخی نهادهای عمومی انجام شده و نیز نحوه اجرای انتخابات و دخالت های دولت و نمایش شکایت پذیری و بازشماری آرای شورای نگهبان و وقایع بعد از آن را عاملی در جهت باطل بودن انتخابات می دانم و بر همین اساس دولت برآمده از آن را دارای مشروعیت و مقبولیت نمی دانم و در هیچ برنامه ای از جمله تنفیذ و تحلیف آن شرکت نخواهم کرد. ”

- نماز جمعه هاشمی / پاسخ آقای خامنه ای به هاشمی در مراسم تنفیذ هاشمی: “اواخر دوران تبلیغات ما دچار تردید شدیم یعنی یک عده افرادی پیدا شدند تردید کردند و بذر تردید حالا به هر دلیل یا تبلیغات نادرست یا عمل نادرست صدا و سیما و یا چیزهای دیگر باعث شد بذر تردید در ذهن مردم پیش بیاید. ما تردید را بدترین مصیبت می دانیم .

این تردید مثل خوره افتاد به جان ملت ما البته دو جریان هستند یک جریان که تردید ندارند و قاطع هم ایستاده اند و دارند کار خودشان را می کنند و یک عده هستند که آنها هم کم نیستند و بخش زیادی از مردم فهیم کشور ما عالم کشور ما هستند و می گویند که ما تردید داریم و برای رفع تردید اینها باید کار کنی

.مساله مهم ما اینست که آن اعتمادی که مردم را با آن وسعت وارد میدان کرد و امروز یک مقدار مخدوش شده ما این اعتماد را برگردانیم و این هدف مقدس ما باید باشد و این اعتماد باید برگردد “

خامنه ای : “ این کسانی که دم از بی اعتمادی مردم میزنند - اگر این سخن از روی غرض نباشد، از روی غفلت است - کدام اعتماد از این

بالاتر که مردم می‌آیند در عرصه‌ی انتخابات وارد میشوند، به نظامشان، به دولتشان اعتماد میکنند، رأی خود را به آنها می‌سپارند و منتظر میمانند که نتیجه‌ی این رأی‌گیری را از آنها بشنوند؟ “

- مراسم تنفیذ / غیبت هاشمی، خاتمی، ناطق نوری، موسوی، کروبی، جوادی آملی، امینی، ... و حتا حسن خمینی در این مراسم.

- مراسم تحلیف / غیبت همان جمع غایب در تنفیذ به علاوه جمعی از اعضای فراکسیون اقلیت در مراسم تحلیف.

- پافشاری موسوی، کروبی، خاتمی و احزاب سرشناس اصلاح طلب بر نامشروع بودن دولت احمدی نژاد.

- برای نخستین بار در تاریخ 30 ساله جمهوری اسلامی رکن رکین و عمود خیمه نظام (به تعبیر هاشمی پس از ماجرای 18 تیر ماه) یعنی ولایت فقیه به این صورت هاله قدسی خویش را از دست داد و نه یک باره و دوباره بلکه چند باره فصل الخطاب بودن این جایگاه و شخص آیت الله خامنه ای زیر سوال رفت تا وی حتا خود را در حد حامی یک جناح خاص - حتی یک شخص خاص - تنزل داده باشد .

- عدم تائید دولت جدید از سوی اکثریت قاطع مراجع تقلید و انتقادات آنان از روند های پس از 22 خرداد 88. اهمیت این مساله را در پایگاه و جایگاه مرجعیت در ایدئولوژی حکومت باید جستجو کرد، نقشی که حکومت سالیان سال برای توجیه رفتار خود از مرجعیت انتظار داشته است.

- دادگاه های برگزار شده برای سران اصلاح طلب متهم کردن آنان به تلاش در جهت انقلاب مخملی و در مقابل نمایشی خواندن دادگاه از سوی اصلاح طلبان و متهم کردن نیرو های امنیتی به بد رفتاری با زندانیان همه و همه نشانه هایی از ایجاد تضادی واقعی در ساختار حکومتی ایران می باشد، که به تائید پیش بینی اولیه در مورد انتخابات به مثابه راهی برای عمیق تر و عریان تر کردن این شکاف می پردازد.